

Examples and Purposes of the Verses of Surah At-Tayn with an Interpretation Narrative*

Amin Fathi**

Abstract

This study elucidates the meaning, purpose, and profound significance of the four oaths in Surah Al-Tin. Using a descriptive-analytical method, the article compares relevant Qur'anic verses and narrations in classical exegetical works. The research data and citations were gathered through library-based research. The findings indicate that while the Holy Quran and authentic Islamic texts explicitly name only four divine books, this surah alludes to the places of revelation for four prophets and their respective scriptures. Specifically, "the fig and the olive" symbolize the places of revelation and supplication for Jesus (PBUH) and David (PBUH), respectively, while "Mount Sinai" and "the Secure City" refer to the sites of the revelation of the Torah and the Holy Quran. The research concludes that, despite scholarly differences in interpreting the first two oaths, the surah collectively delineates the revelation of four foundational scriptures. It thereby outlines the four stages of divine law and articulates a path for human transcendence—guided by sacred law through the stages of servitude toward the perfected state of innate human nature (fitrah).

Keywords: Four Heavenly Books, Places of Revelation, Surah At-Tin, Stages of Sharia

* Received: ۲۰۲۵-۰۸-۱۲
،۷

Revised: ۲۰۲۵-۰۹-۳۰

Accepted: ۲۰۲۵-۰۲-

** Assistant Professor in Quranic and Hadith Sciences of Islamic studies Department, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran. (The Corresponding Author) Email: A_fathi@uma.ac.ir



This work is licensed under a Creative Commons Attribution ۴.۰ International License.

مصادیق و مقاصد قسم‌های سوره تین با رویکرد تفسیر اثری*

امین فتحی**

چکیده

مصادیق و مقاصد قسم‌های قرآنی، جزو سؤالات مخاطبان آیات بوده و پژوهش‌های انجام‌یافته، تلاشی در جهت پاسخگویی به این پرسش‌ها است. هدف این نوشتار، تبیین معنا، مقصود و عظمت قسم‌های چهارگانه سوره تین است که با شیوه توصیفی-تحلیلی و گردآوری داده‌ها و تطبیق آیات و روایات مأثور در تفسیر این سوره، با استفاده از روش کتابخانه‌ای و بهره‌مندی از نرم‌افزارهای تفسیری انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد در قرآن کریم و متون معتبر اسلامی، تنها نام چهار کتاب آسمانی آمده است و در این سوره نیز به محل وحی چهار پیامبر و نزول چهار کتاب، قسم یاد شده است. نتیجه پژوهش، این است که با وجود اختلاف نظر در معانی و مصادیق قسم‌ها، به‌خصوص در دو قسم اول این سوره، با توجیه‌پذیری‌های مرتبط، می‌توان نشان داد که تین و زیتون، به‌ترتیب، به محل وحی و مناجات حضرت عیسی (ع) و داود (ع) و طور سینین و بلد امین به مکان‌های نزول تورات و قرآن کریم اشاره داشته و ناظر به نزول چهار کتاب و مراحل چهارگانه شرایع آسمانی و بیان مسیر تعالی انسان در پرتو شریعت و طی مراحل بندگی، تا مرز انسانیت فطرت است.

کلیدواژه‌ها: سوره تین، زیتون، طور سینین، بلد امین، چهار کتاب آسمانی،

مکان‌های وحی

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۸

** استادیار علوم قرآن و حدیث گروه معارف اسلامی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. (نویسنده مسئول) ایمیل:

A_fathi@uma.ac.ir



۱. مقدمه

در قرآن کریم، نود و سه بار سوگند با واژگان مختلف قَسَم، حلف، یمین، واو قسم و در بیش از چهل سوره آمده: (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۷) الهی، به‌طور معمول، به‌سبب تأکید بر اهمیت موضوع و بیان عظمت چیزی است که به آن، سوگند یاد شده‌است و مخاطبان را متوجه امری خطیر می‌کند؛ اما مسأله پژوهش، علت سوگندها، مورد قَسَم‌ها و عظمت چهار قَسَم مطرح‌شده در سوره تین است که همواره محل سؤال و پژوهش علاقمندان به آیات بوده و نظرات مختلفی در پی داشته‌است؛ که مقصود از این واژه‌ها چیست و چرا مورد سوگند قرار گرفته است؟ با پاسخ به این پرسش‌ها نه‌تنها گره‌گشایی نشده، بلکه گاهی سبب حیرت و ابهام نیز شده‌است. در بیشتر منابع تفسیری مکتوب و الکترونیکی، تنزیل تین و زیتون را دو میوه معروف، (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۰۳/۵۷)، یا دو مکان یعنی کوه‌های آن دو میوه، یا دو منطقه تاریخی در شام و فلسطین دانسته و تأویل آن دو و طور سینین و بلد امین را به‌ترتیب، شهرهای مدینه، بیت‌المقدس، کوفه و مکه بیان کرده‌اند و یا به شخص رسول خدا (ص)، امام علی (ع) و امام حسن و امام حسین (ع) و سایر امامان از اهل‌البیت (ع) تطبیق داده‌اند (قمی، ۱۴۰۴ق: ۲/ ۴۲۹)؛ اما به مصادیق و نتیجه این پژوهش، تصریح نشده و یا اشاره‌ای مبهم شده‌است.

اما یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تین و زیتون به‌ترتیب، به محل وحی و مناجات حضرت عیسی (ع) و داود (ع)، و طور سینین و بلد امین به مکان‌های نزول تورات و قرآن کریم اشاره دارد و ناظر بر مراحل چهارگانه دعا؛ شریعت، طریقت و حقیقت؛ شرایع آسمانی است. در تبیین مسأله، نکات کلیدی و اشارات اهل‌البیت (ع) به‌عنوان وارثان (ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا) (فاطر/ ۳۲)، و خزانه‌داران علوم بی‌کران قرآن (بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ ...) (عنکبوت/ ۴۹)، راهگشا بوده‌است. این سوره شریفه، پس از چهار قَسَم، با اشاره به خلقت انسان در بهترین تعادل و قوام، و اختلاف افراد در بقا یا خروج از آن و تنزل تا اسفل سافلین، بر ضرورت دآوری خالق حکیم در روز جزا تأکید دارد (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۵۳۹/۲). به بیانی دیگر، پس از ذکر مراحل تکامل و انحطاط انسان، تنها راه برون‌رفت از سقوط را ایمان و عمل صالح معرفی کرده و با تأکید بر مسأله معاد و حاکمیت مطلق خدا، پایان می‌گیرد. در ادامه ابتدا، مبانی پایه و سپس نظرات موجود پیرامون موضوع، بحث و بررسی می‌شود.

۲. مبانی نظری پژوهش

۱. ماده قسم: در اصل به معنای جزء جزء کردن است و قسم را جلف (سوگند خوردن) گفته‌اند؛ چون در آن، التزام و تعهد و قطعیت موضوع از غیر آن وجود دارد (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۲۹۲/۹).

۲. ضرورت تبیین‌گران و تدبیر در قرآن: غناء و جامعیت کتاب الهی، بی- نیاز از تفسیر غیر است؛ اما با در نظر گرفتن سطوح مخاطبان عصری و نسلی، نیازمند به تبیین همتایان کلام خدا و آگاهان به آن در پاسخ به پرسش‌های زمان است؛ لذا، قرآن کریم، علاوه بر ظاهری روشن و همگانی، دارای اشارات و پیام‌های باطنی برای خواص است و با تدبیرهایی در قالب سوره‌ها و شیوه‌های بیان، از مخاطبان انتظار تدبیر دارد.

۳. ظاهر و باطن آیات: قرآن مجید به عنوان کامل‌ترین کلام الهی، در عین عمق و جامعیت، روانی فهم عموم مخاطبان و طراوت همه زمان‌ها را در نظر گرفته و لذا، در فهم و بیان مقصود آیات، مسأله ظاهر و باطن، تنزیل و تأویل، عبارات و اشارات، لطائف و حقایق آیات قرآن، مطرح می‌شود (فتحی، ۱۳۹۷: ۱۱۷)، و روش تناسب تعلیم با سطح فهم‌ها، این نتیجه را دارد که «معارف عالیّه، با زبان ساده بیان شده و ظواهر الفاظ، مطالبی از سنخ محسوس القا می‌نماید و معنویات در پشت پرده ظواهر قرار گرفته و خود را فراخور فهم‌های مختلفه به آن‌ها نشان داده و هرکس به حسب حال و درک خود از آن‌ها بهره‌مند شود» (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۴۱).

۴. دین و شرایع: اصل واژه دین، خضوع و انقیاد در قبال برنامه یا مقررات معین است و جزاء و دین از مصادیق آن است (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۳۱۰/۳)، و از نظر راغب، دین به معنی طاعت و جزاء است که شریعت، استعاره از آن است (ر.ک: راغب، ۱۴۰۴: ۱۷۵)، و در بیان علامه (ره)، دین همان سنت حیات و راه‌وروش سعادت‌مندی با هدف و غایتی خاص است که فطرت و ویژه انسان، وی را به این راه، هدایت می‌کند و جز آن را نمی‌تواند پیش بگیرد (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۶ / ۲۶۷). که آیه ۳۰ سوره روم (فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا ...) به آن تصریح دارد؛ لذا دین در اصطلاح که به برنامه زندگی نیز تعبیر می‌شود، درحقیقت، صورت مکتوب همان خواست فطری است و برای آن است که در طول تاریخ، خداوند یک دین برای بشر در نظر گرفته است (إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ...) (آل عمران/ ۱۹)، با شرایع مختلف (شوری/ ۱۳)؛ چرا که فطرت- ها یکی است؛ اما برخی از قوانین (شریعت) به اقتضای زمان و تکامل عقل‌ها و جوامع بشری و نیز امتحان امت‌ها، متفاوت است. تعبیر قرآن کریم نیز به

جای «ادیان»، «شرایع» است و کلمهٔ ادیان (جمع دین) نیامده است؛ چون شریعت، نمود و ظهوری از دین به مقدار نیاز زمان و مکان، به سبب تکامل عقول و جوامع بشری و امتحان امت‌ها است (مائده/ ۴۸).

۵. **شریعت اسلام:** اصطلاح ادیان که در فرهنگ مکتوب و شفاهی رایج شده، تعبیری از روی مسامحه است؛ چرا که انسان، خدا، فطرت و دین واحد دارد که نام آن نیز اسلام است (وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ) (آل عمران/ ۸۵)؛ اما شریعت‌ها مختلف‌اند و بر اساس معیارهای عقلی نیز، تعدد دین و تفاوت در محتوا منتفی است؛ چرا که انبیاء الهی، آموزه‌های متفاوتی در عرصهٔ اعتقادات و اخلاقیات عرضه نکرده‌اند؛ مگر در احکام و قوانین (شریعت)، و آخرین پیامبری که با شریعتش، دین واحد خدا را تکمیل کرده، محمد (ص) است که به پیامبر اسلام شهرت یافته است (مائده/ ۳).

۶. **چهار کتاب آسمانی:** کتاب در لغت، بر جمع و نظم حروف (راغب، ۱۴۰۴ق: ۴۲۳)، و تثبیت مفاهیم و تحقق محتویات نیت و اندیشه، اطلاق می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۰/۱)، و از نظر نوع کلمه، مصدر است و بر مکتوب، اطلاق می‌شود و به معانی مختلفی از جمله کتاب‌های آسمانی، اطلاق شده است (وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ) (بقره/ ۲۱۳) و در این مقاله، محل نزول چهار کتاب آسمانی زبور، تورات، انجیل و قرآن کریم بحث می‌شود. کتب آسمانی به‌طور معمول، ناظر بر شرایط فکری و اجتماعی عصری و برای محدودهٔ مکانی خاصی بوده‌اند، و با هدف تربیت و رشد انسان در عین هماهنگی در اصول، در مسائل فرعی به اقتضای تکامل تدریجی، با هم تفاوت‌هایی دارند و آیین بعدی، برنامهٔ جامع‌تری دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ۴۰۱/۴)؛ لذا قرآن کریم آخرین و کامل‌ترین کتاب آسمانی راهبردها و نیازهای زندگی بشری را در ابعاد بینشی، گرایشی و کنشگری تا روز قیامت در بر دارد. بنابر مشهور، آنچه از آیات (فرقان/ ۳۲) و روایات مأثور استفاده می‌شود، این است که همهٔ کتاب‌های آسمانی، نزول دفعی داشته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۷: ۱۲۶)؛ اما قرآن کریم، دو نزول «یکپارچه و تفصیلی» داشته که صلاحیت تغییر و تحوّل، به‌گونهٔ ناسخ و منسوخ و مانند آن را دارد؛ مرتبهٔ بسیط در شب قدر بر قلب مطهر پیامبر (ص) بوده، که طی دوران رسالت به‌صورت تفصیلی نازل شده است (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۱۵ تا ۱۸). اسامی دیگر کتب آسمانی در قرآن کریم نیامده است؛ اما برای حضرت ابراهیم (ع)، همانند برخی از انبیاء، در روایات، تعبیر صُحُف، به شکل اسم عام، به‌کار رفته است (صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى) (اعلی/ ۱۹). از رسول خدا (ص) نقل شده است که فرمود: «خداوند، هفت سورهٔ طوال را به‌جای تورات، و سوره‌های مئین (سوره‌هایی که حدود صد آیه دارند) را به‌جای انجیل و سوره-

های مثانی را به‌جای زبور به من داد و پروردگارم مرا با دادن سوره‌های مفصل، فزونی بخشید» (طبرسی، ۴۱۵ق: ۴۱/۱).

۳. چهار مقسم از منظر روایات

در باره مورد قَسَم در سوره تین، اقوالی گفته شده‌است که به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود:

۳-۱. میوه معروف

از روایاتی که در تفسیر سوره تین وارد شده و اکثر مفسران بر آن صحّه گذاشته‌اند، مورد قَسَم، دو میوه معروف است؛ مانند آنچه گفته شده‌است که: «وقتی سوره تین بر غذایی خوانده‌شود، خداوند بیماری را از آن غذا دور می‌گرداند و شفابخش می‌شود. همچنین از ابن عباس نقل شده که «خدا به انجیر خوراکی و زیتونی که روغن‌کشی کنند، سوگند خورده‌است» (مجلسی، ۴۰۳ق: ۲۰۳/۵۷)؛ چون انجیر، تر و خشک، و هسته‌اش خوردنی بوده و درختش همچون شجره نبوت، صادق است که قبل از وعده‌ها و جلب نظر و پیش از رویش برگ، ثمر می‌دهد. زیتون نیز میوه‌ای است غذایی، دارویی و روشنایی‌بخش، با درختی پرتوان و بادوام و برگ‌هایی همیشه سبز که بیشتر در دامنه‌های قدس و طور می‌روید (طالقانی، ۱۳۶۲: ۱۶۳/۲). در عصر نزول، فهم عرفی عرب از سوره تین، همان دو میوه معروف بوده؛ پس از چندی، برخی از صحابه و تابعین برای تناسب بین تین و زیتون با طور سینین، معانی متعددی را مطرح کردند؛ درحالی‌که هماهنگی لفظی بین زیتون و سینین برقرار بود. سپس، با ورود اقوال بی‌پایه و متعارض به تفاسیر، این دو واژه، در ابهام، فرو رفت. برای فهم قرآن باید در کنار توجه به تناسب معنایی آیات، با توجه به بحث فواصل، به زیبایی‌های لفظی آن‌ها بیشتر توجه کرد (توفیقی، ۱۳۹۹: ۶۶). و چون قرینه‌ای نیست که بتوان از ظاهر آیه، صرف‌نظر کرد؛ لذا معنای ظاهری بر معنای احتمالی دیگر مقدم است؛ یعنی سوگند به انجیر و زیتونی که مشهور و معروفند (نجفی، ۱۳۷۹: ۳۰۹/۹). با صحّه گذاشتن به ظاهر کلمات، از بین همه میوه‌ها در قرآن کریم، فقط انجیر و زیتون، محل سوگند واقع شده‌است که ارزش غذایی ویژه‌ای دارند.

از دیدگاه دکتر طه ابراهیم _استاد گیاهان دارویی_ مصرف توأم انجیر و زیتون، نقش به‌سزایی در سلامتی دارد و هماهنگ با یافته دانشمندان ژاپنی مبنی بر تأثیر ویژه مصرف يك انجیر با هفت زیتون است. در قرآن کریم نیز

يك بار انجیر و شش‌بار زیتون، به‌صورت صریح، و يك بار به اشاره آمده‌است. این دو میوه، حاوی مادهٔ کمیاب متالوئیدز هستند که در کاهش کلسترول و تقویت قلب و تنظیم تنفس، بسیار مؤثر است (ایکنا، ۱۳۸۸). تین و زیتون می‌تواند دو منبع غذایی مفید و تا حدی کافی، برای رفع احتیاجات بدن باشد. نیازهای متعادل زیستی را به‌راحتی می‌توان از طبیعت گرفت و خود را در اختیار معنی گذاشت؛ چون نیازهای مادی، هدف نیست و تأمین آن، آغازی برای پیوند با مراکز وحی و قوانین الهی، برای یک زندگی سالم و هدفمند است (مصحف، بی‌تا)؛ پس همانند نقش پالایندگی آن دو میوه برای بدن، مکان‌های قدسی وحی نیز برای تطهیر باطن در اثر ایمان و عمل صالح، ضرورت دارد و «انجیر و زیتون، نمایانگر احسن تقویم بدنی، و طور سینین و بلد امین، جهت تقویم روحی انسان‌اند؛ چنانچه جایگاه وحی اسرائیلی، طور؛ و پایگاه وحی محمدی، مگه مکرمه است» (صادقی تهرانی، ۱۳۸۵: ۴۷۸)؛ لذا یکی از دلایل سوگند به این دو میوه، می‌تواند اهمیت غذایی و دوائی آن و چهار سوگند، پاسخ به نیازهای جسم و جان باشد. دو سوگند اول، مرتبط با غذای جسمانی است، و سوگند سوم و چهارم، در ارتباط با جایگاه تکلیم موسی و جایگاه نزول وحی بر پیامبر اسلام است. عناصر و ترکیبی که در جسم و روح انسان است، دارای قوام و اعتدالی است. همهٔ موجودات همین‌طورند تا به یک نقطهٔ اعتدالی برسند و نیکوترین ترکیب و استعداد بدنی، ظرفیت پذیرش روح الهی و نیکوترین استعداد روحی، مظهر صفات کمالیهٔ الهی واقع شود (مطهری: ۱۳۹۶، ۲۲۴/۱۳ و ۲۲۸)؛ بنابراین، سوگندها شواهد و نمونه‌هایی از مقومات جسمی و روحی انسان است.

۳-۲. سرزمین‌های پیامبرخیز

امام کاظم (ع) از حضرت پیامبر(ص) روایت کرده‌است که خدای متعال، چهار سرزمین را برگزید و فرمود: «الْبَلَدُ الْمَدِينَةُ، مدینه است، الرُّيُّون، بیت‌المقدس است، طُور سِینِین، کوفه است وَ هَذَا الْبَلَدُ الْأَمِین، مگه است» (فیض کاشانی: ۱۳۶۲، ۸۳۱/۲).

علامه طباطبایی در این خصوص، آورده‌است: «مقصود از بلد امین، مگه بوده که خانهٔ کعبه در آن واقع شده و امنیت از ویژگی اختصاصی آن است، و با تکریم «هذا»، شرافتش را بر سه نقطهٔ دیگر رسانده‌است، و هر دو معنای فاعلی (امنیت‌بخشی و صاحب آن) و مفعولی (امنیت داده‌شده) امین (صفت مشبیه)، می‌تواند مد نظر باشد» (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۵۴۰/۲). کعبه و مناسک آن، الهام‌بخش و تبلوری از توحید ابراهیمی است که شرایع انبیاء نیز

شرح و بیانی از آن توحید فطری است؛ بر همین اساس، این خانه همواره الهام‌بخش حقوق متساوی (طالقانی، ۱۳۶۲: ۱۶۵/۴)، و عادلانه انسان‌ها و موجب امنیت فردی و اجتماعی بوده‌است؛ پس، «سوگندهای چهارگانه، ناظر بر «سرزمین‌های نزول وحی است؛ زیرا نوح (ع) در کوفه، ابراهیم و عیسی (ع) در بیت‌المقدس، موسی (ع) در طور سینا و پیامبر اسلام (ص) در مکه مبعوث شده‌اند» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۴۴۱/۲۰).

۳-۳. کوه‌ها

برخی صاحب‌نظران، این قَسَم‌ها را کنایه از برخی کوه‌ها دانسته‌اند که از آن جمله است طبرسی که نقل کرده است که «تین»، نام کوه شهر دمشق، و «زیتون»، کوهی است که بیت‌المقدس بر آن بنا شده است، و هر دو، محل رویش انجیر و زیتون می‌باشند (طبرسی، ۱۴۰۶ق: ۷۷۵/۱۰)، و به زبان سریانی، آن‌ها را طور تینا و زیتا گویند و ذکر تین و زیتون، علاوه بر ویژگی ممتازی که دارند، به‌سبب کثرتشان در آن مناطق وسیع بوده، که مکان ظهور بسیاری از پیامبران بزرگ است؛ البته حمل معنای تین و زیتون بر کوه‌ها، مجازی بوده و چون قرینه‌ای در کلام و شهرتی در خاص و عام ندارد، بنابر نظر برخی روانیست (طالقانی، ۱۳۶۲: ۱۶۳/۴).

طور در لغت، کیفیت مُعین در هر شیء است و امتداد، لازمه آن است و اطلاقش به کوه نیز به‌دلیل امتداد آن با کیفیت خاصی در زمین است که بر کوه مناجات موسی (ع) عَلَم بِالْعَلْبَةِ شده‌است» (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۱۵۸/۷)، و طور سیناء هم نامیده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۵۳۹/۲). براساس آنچه در دعای سمات آمده‌است «حوریث»، محل مناجات حضرت موسی در طور است (وَفِي طُورِ سَيْنَاءَ، وَفِي جَبَلِ حُورَيْثَ) (ابن طائوس، ۱۳۸۳، دعای سمات)؛ اگر چه به‌تصریح اکثر منابع، این کوه و سینا یکی است و در بحارالانوار، اضافه شده‌که به آن، «حوریثا» نیز گفته شده‌است (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۱۱/۹۰). در عهد عتیق، و برخی از منابع جغرافیایی، از طور سینین، به نام‌های «سینا»، «حوریب»، «جبل‌الله» و «جبل موسی» نیز یاد شده است (ر.ک: سفر تثنیه، ب ۲۹: ۱ و خروج، ب ۳: ۱)، و بعید نیست که تعبیر به سینین، اشاره به محل نزدیکی از طور باشد؛ چرا که «بن» دلالت بر کاهش و انعطاف دارد؛ برخلاف الف ممدود (سیناء) که بر وسعت و امتداد دلالت دارد (ر.ک: مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۳۵۸)؛ امّا «طوی» در لغت، به‌معنای جمع، در مقابل نشر و بسط یا در شأن بسط است (إِنْ تَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى) (نازعات/ ۱۶)؛ پس، «طوی»، «وادی مقدسی است که

مَجْرای سیلان علوم الهی بوده و در آن، آنچه که از شَأْنش نشر با رسالت بوده، جمع شده است» (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۱۸۰/۷)، و «جبل فاران، کوه مناجات پیامبر اسلام در مگه است» (حسینی طهرانی، ۱۳۹۲: ۱۰۸). روایت شده است که حضرت آدم (ع)، خانه کعبه را از سنگ‌های پنج کوه؛ از جمله کوه نور، بنا کرد که به نظر برخی، همان کوه فاران است و «ظاهراً، فاران، نام همه کوه‌های مگه است» (عاملی، ۱۳۸۵: ۳۰۰/۲)، و به تصریح آنچه در دعای سمات، آمده است، «ساعیر» نام کوه مناجات و محل نزول وحی حضرت عیسی در فلسطین است (و بطلعتک فی ساعیر...) که مقصود، نزول وحی بر آن حضرت و «محل عبادتش بوده که امروزه جبل الخلیل نامیده می‌شود» (انجمن آنتی شبهات، ۲۰۲۴). برخی مسیحیان هم کوه زیئا (زیتون) را به عنوان کوه مقدس خود به‌شمار می‌آورند؛ گرچه به نظر برخی، حوریت، درسرزمین شام است (طریحی، ۱۳۷۵: ۴۸۳/۱)؛ اما باید در نظر داشت که در تعبیر جغرافیایی قدیم، شامات، به منطقه‌ای بزرگ اطلاق می‌شده است.

۳-۴. چهار دوران زندگی انسان

برخی برای وحدت سیاق آیات، تین و زیتون را نیز اشاره به دو مکانی دانسته‌اند که با حوادث بزرگی، تأثیر ماندگاری در زندگی بشر داشته‌اند؛ بنابر نقل عبده، این چهار قَسَم، چهار فصل کتاب طولانی انسان است: "این اشاره به عهد انسان اول دارد که در جَنّت در سایه و پناه برگ‌های انجیر قرار گرفت. زیتون اشاره به عهد نوح و ذریه‌اش دارد که برگ زیتون را نشانی از رحمت بعد از غضب الهی دانست و طور سینین، ناظر به عهد شریعت موسوی بعد از شیوع آلودگی‌های بت پرستی بوده است، و هذا البلد الامین، به عهد ظهور نور محمدی از مگه اشاره دارد که زمینه‌ساز تغییر تاریخ بشری است. در این صورت، قَسَم‌ها با مقسم (خَلَقْتَ انسان در احسن تقویم) متناسب خواهد بود (ر.ک: عبده، ۱۹۸۵: ۱۱۹)؛ لذا «تین به حضرت آدم(ع)، زیتون به حضرت نوح (ع)، طور سینا به حضرت موسی (ع)، و بلد امین به حضرت رسول اکرم (ص) اشاره دارد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۱۰). این دیدگاه، دارای نگاه راهبردی است؛ اما فاقد استنادات کافی قرآنی است. مناسب‌ترین آیه در این خصوص، آیه ۳۳ آل عمران است: (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ) که آن هم فاقد مفهوم انجیر و زیتون است.

۳-۵. اهل البیت (ع)

در تفسیر قمی بدون استناد آمده است که مقصود از انجیر، رسول خدا (ص)، مقصود از زیتون، امیرمؤمنان (ع)، مقصود از طور سینین، حسن و حسین (ع)، و مقصود از هذا البلد الامین؛ ائمه (ع) هستند (قمی، ۱۳۶۷: ۴۲۹/۲). امام کاظم (ع) فرمود: «بلد امین پیامبر (ص) است و ما، راه آن بلد هستیم. خداوند، مردم را در راه آن‌ها از عذاب در امان قرار داده است؛ در صورتی که از پیامبر (ص) اطاعت نمایند» (فرائد الکوفی، ۴۱۰: ۵۷۹). از امام رضا (ع) روایت شده است که منظور از طور سینین، امیرمؤمنان (ع) است (فرائد، ۴۱۰: ۵۷۸)، و از حضرت کاظم (ع) نیز وارد شده که تین و زیتون، حسن (ع) و حسین (ع)، و طور سینین، علی بن ابی‌طالب (ع) است (بحرانی، ۳۱۹/۸: ۱۴۲۷).

بدیهی است که این دسته از روایات، تأویلی و باطنی است و سند روایات ناظر بر سرزمین‌ها، معتبر است و احادیث تطبیق بر اهل بیت، شهرت روایی دارند که بر مبنای تراکم ظنون اعتبار می‌یابند و از نظر محتوا نیز خالی از غلو و برخوردار از قرائن مضمونی در قرآن و سنت هستند و ناسازگار با ظاهر آیات نیستند (مروّجی طبسی، ۱۳۹۹: ۱۱۹).

۳-۶. مسجد

از ابن عباس نقل شده که «التّین، مسجد نوح است که بر جودی ساخت، و الرّیثون، بیت المقدس (یا همان مسجد شهر قدس) است» (طبرسی، ۴۰۶: ۱۰/۷۷۵). ابن کعب نیز گفته است که تین، مسجد اصحاب کهف، و زیتون، مسجد ایلیا (قدس) است؛ همچنین نقل کرده است که تین، مسجد الحرام و زیتون، مسجد الاقصی است (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۰/۲۳۹)، و از روایاتی که بر سرزمین تطبیق داده شده، استفاده می‌شود که مقصود از تین، مسجد النبی است.

۳-۷. محل وحی انبیاء

بعضی مترجمان قرآن نیز آن دو را، به قرینه قسَم‌های سوم و چهارم، اشاره به مکان‌هایی در شام و مرتبط با محل تولّد و زندگی حضرت عیسی دانسته‌اند: «کوه زیتون و انجیر، جایگاه وحی عیسی (ع) است» (کاویان پور، ۱۳۷۸)؛ یعنی انجیر و زیتون، همان بیت المقدس، محل وحی عیسی (ع)، و طور سینین، مکان وحی موسی (ع)، و بلد امین، محل بعثت نبی اسلام (ص) است؛ چرا که «در پایان تورات، به ترتیب زمانی، به این سه مکان، اشاره شده است (خداوندان از کوه سینا برآمد و از ساعیر محل بعثت عیسی (ع) درخشید

و از کوه‌های فاران_ مکه، محل بعثت محمد (ص)_ آشکارشد» (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۸/۴۲۰)، و این تعبیر، قابل تطبیق با جملاتی از دعای سمات است (وَبِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ عَلَى طُورِ سَيْنَاءَ فَكَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ، وَبَطَّلْتَكَ فِي سَاعِيرٍ، وَظَهَّرَكَ فِي جَبَلِ فاران ...) (ابن‌طاوس، ۱۳۸۳: ۳۵۲)؛ البته خداوند با موسی از فراسوی حجاب، سخن‌گفت؛ ولی بر پیامبر اعظم (ص) گاهی به واسطه جبرئیل (نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ) (شعراء/ ۱۹۳)، و گاهی بدون واسطه (فَأَوْحَى إِلَيْ عَبْدِهِ مَا أَوْحَى) (نجم/ ۱۰) وحی کرد. در آخرین فراز دعای سمات، حضرت ابراهیم (ع) و پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت (ع)، یک امت، محسوب شده‌اند و حضرت اسحاق، جزو امت عیسی (ع) و یعقوب (ع) نیز از امت موسی (ع)، به حساب آمده‌است.

۷-۱-۱. تین (محل وحی حضرت عیسی)

الف-۷-۱. بیت المقدس: بر اساس روایت انجیل، بیت لحم محل تولد حضرت عیسی بوده (لوقا/ ۲: ۷) که برخی روایات شیعی نیز بر آن صحه گذاشته‌اند (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۰۸). و در تفسیر آیه «فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا» (مریم، ۲۲). که به مکان دور نامشخصی ناظر است؛ روایتی که آن را کربلا (طوسی، ۱۳۶۵: ۷۳/۶)، و روایت سومی که ولادت را روی سنگی سفید در منطقه برائا دانسته‌است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۲/۲۱۰) که اکنون، محل مسجد جامع برائا است، قابل جمع‌اند؛ چرا که منافاتی ندارد که اتفاق معنوی حضور مریم (س) در کربلا بر روی سنگی بودمباشد که بعدها به برائا منتقل شده یا کمی در آن منطقه نیز اقامت کرده‌است و در عین حال، ممکن است که این واقعه در زمان حضور مریم (ع) در بیت لحم بودمباشد؛ اما به‌نظر محققان عهد جدید، محل تولد عیسی (ع) در ناصره است (ر.ک: گری، بی‌تا). بی‌شک، مسیح (ع) از بدو تولدش، پیامبر (ر.ک: مریم، ۳۰)، و حجت خدا بوده‌است؛ اما عهده‌دار رسالت نبود. ولی در هفت سالگی، نبوت و رسالتش را آشکار کرد و حجت خدا بر یحیی و همه مردم جهان شد (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۳۸۲)، و محل زندگی با مادرش در دورانی که صامت بوده، اشاره سر بسته‌ای به مکانی امن و پر برکت دارد (ر.ک: مومنون، ۵۰)، تا از شر دشمنان، در امان باشند. بنابر نقل مرحوم صدوق (ره) از رسول خدا (ص)، بیشتر محل زندگی و رسالتش، منطقه بیت المقدس و دعوت بنی اسرائیل بوده‌است؛ ولی اکثرشان، علی‌رغم معجزه مسخ عده ای از سران، ایمان نیاوردند و ناچار به بیت المقدس آمد و [تا پایان زندگی] سی و سه سال، در آنجا ماند و به دعوت مردم پرداخت (صدوق، ۱۳۹۵: ۱/۲۲۵). ابن‌کثیر

در تفسیر تین و زیتون، پس از نقل نظر کثیری از مفسران که مقصود از تین و زیتون را سرزمین یا زمین محل رویش تین و زیتون، ذکر کرده‌اند که همان بیت المقدس باشد، اضافه کرده‌است که بعضی از ائمه فرمودند: «این‌ها (مقسم‌های سوره تین) سه مکانی هستند که خداوند در هر کدام، پیامبر اولوالعزم صاحب شریعتی را مبعوث کرده‌است» (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۴۲۰/۱۹)، و به اعتباری، می‌توان تین و زیتون را از آثار و برکات اطراف مسجدالاقصی محسوب کرد (ساعدی، ۱۳۹۸: ۱۹).

ب- ۱-۷-۱. «بیت فاجی» در دامنه کوه زیتون نیز از جمله مکان‌های وحی و حضور عیسی (ع) است (ر.ک: لوقا، ۱۹: ۳۰). براساس یافته‌های باستان‌شناسی، بیت فاجی مکانی در منطقه «بیت ناتیف»، واقع در کوهپایه‌های فلسطین است و «بیت نتیف» روستایی در شمال غربی الخلیل بوده که پس از اشغال و ویرانی آن به‌دست صهیونیست‌ها، شهرک «نتیف هالامده» را بنا نهادند (دانشنامه فلسطین، ۲۰۲۰).

ج- ۱-۷-۱. ساعیر: ناحیه ای کوهستانی نزدیک ناصره، مسکن حضرت عیسی و حواریون (ر.ک: مقریزی، ۱۴۲۰: ج ۳، ۳۸۵)، و بنابر روایت امام رضا (ع)، مکان وحی (صدوق، ۱۳۷۸: ۱۴۸/۱) و رسالت عیسی (ع) بوده‌است (ر.ک: صبری پاشا، ۱۴۲۴: ۹۲/۱)، و علامه مجلسی در شرح دعای سمات، ساعیر را کوهستانی در حجاز و محل مناجات و استجابت دعای عیسی (ع) دانسته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳: ق: ۱۲۳/۹۰).

۲-۱-۷. زیتون (محل وحی حضرت داود)

حضرت داود از پیامبران بزرگ بنی‌اسرائیل و صاحب کتاب بود «وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا» (اسراء/ ۵۵) که خداوند به او علم (نمل/ ۱۵)، حکمت، حکومت و قضاوت (ص/ ۲۰) را عطا کرد. وی از نسل چهاردهم حضرت ابراهیم (ع) بوده و حدود ۹۷۲ سال پیش از میلاد می‌زیسته‌است و نسب حضرت عیسی با ۲۸ واسطه به داود (ع) می‌رسد (ر.ک: بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۴: ۱۳۶). محل تولد آن حضرت، مشخص نیست؛ اما چون محل زندگی بنی‌اسرائیل، فلسطین بوده، می‌توان تولد وی را فلسطین دانست. در میان صاحب‌نظران اسلامی، به استناد روایاتی مشهور است که کتاب زبور نیز همانند تورات و انجیل، نزول دفعی داشته‌است (مفید، بی‌تا: ۴۴). کتاب زبور یا تهیلیم، در عهد عتیق با عنوان مزامیر داود، در ۱۵۰ فصل آمده‌است و در کلام امام علی (ع) نیز به «صاحب المزامیر» تعبیر شده‌است (صبحی صالح، ۱۳۸۴، خ ۱۶۰). هرچند این کتاب همانند سایر

کتاب‌های مقدس، دست‌خوش تحریف شده، اما شکل خود را تا حدودی، حفظ کرده‌است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ۲۱۵/۴)؛ لذا مطالعات جدید، نشان می‌دهد که زیور فعلی، از مؤلفین متفاوت و در عصرهای متوالی بوده و بین قرون هشتم تا دوم قبل از میلاد، تنظیم شده‌است (سلیمانی اردستانی، ۱۳۸۵: ۱۳۵). در مورد محل نزول زیور، اطلاعات دقیقی وجود ندارد؛ اما در آثار مفسران، اشاراتی شده که به قرار زیر است:

الف-۷-۱-۲. کوه زیتون: این کوه در شرق بیت‌المقدس و مشرف به شهر است و اعراب، آن را «کوه طور» و یا «طور زیتا» می‌نامند و روستای طور، بر آن واقع شده و گویا نامش از درختان زیتون زیادی که در آن منطقه بوده، گرفته شده‌است. در روایتی آمده که زیتون مذکور در آیه «والتین و الزیتون»، همان کوه زیتون بیت‌المقدس است (دانشنامه فلسطین، ۲۰۲۰). طور زیتا کوهی در بیت‌المقدس یا خود بیت‌المقدس است (عبده، ۱۹۸۵: ۱۱۸)، و از بیان کتاب عهد عتیق استفاده می‌شود که داود (ع) به‌هنگام گرفتاری، با سر پوشیده و پای برهنه و گریه کنان، به کوه زیتون می‌رفته‌است (سموئیل ۲: ۱۵).

ب-۷-۱-۲. اورشلیم: نام عبری بیت‌المقدس؛ پایتخت فلسطین است. قبل از تسلط حضرت داود (ع)، آن را «بیوس» و پس از آن، «اورشالم» یعنی شهر صلح و آرامش یا «مدینه داود» نامیده‌اند. از نام‌های دیگر آن «ایللیا» (خاناً خدا) است که یهودیان آن را «بیت همیقداش» (خانه مقدس) می‌گویند و پس از ظهور اسلام، به نام‌های بیت‌المقدس و قدس شریف، مشهور شد (ر.ک: حمیدی، ۱۳۸۱: ۱۶ و ۱۵). بیوس را به پادشاه «یئوسی» نسبت داده‌اند؛ که برخی او را همان «سام بن نوح» می‌دانند. از نظر قدمت، بنای بیت‌المقدس را به قبل از نوح و به‌دست حضرت آدم و حتی به‌وسیله فرشتگان الهی بعد از بنای کعبه دانسته‌اند (علیمی الحنبلی، ۱۴۲۰ق: ۷۰/۱ و ۷۱). البته امروزه مسجدالاقصی در اصل، شامل همه بناهای مقدسی است که در اورشلیم (بیت‌المقدس) قرار دارد؛ نه فقط ساختمان هشت‌ضلعی که همان مسجد قبه‌الصخره باشد (محمدی شاهرودی، ۱۳۷۹: ۹۶/۲ تا ۱۰۱).

ج-۷-۱-۲. صیون یا صهیون: نام مقر حضرت داوود و کوهی است که اورشلیم بر آن بنا شده و بعدها معبد بیت‌المقدس و مسجدالاقصی در آن ساخته شده و برای یهودیان مقدس است (ر.ک: انجمن کلیمیان تهران، بی‌تا). کوه صهیون، به‌معنی خشک و پر آفتاب، در جنوب غربی شهر قدس واقع شده که داود (ع) زمان ورود به این سرزمین، در آنجا اقامت کرده و آن را شهر داود نامیده‌است؛ امروزه آرامگاه حضرت داود و سلیمان و گروهی از انبیاء

بنی اسرائیل بر بالای تپه قرار دارد (حمیدی، ۱۳۸۱: ۲۴۳). اعتقاد بر این بوده که محل الهام و مکاشفات حضرت داوود (ع) در این مکان بوده است.

د-۷-۱-۲. تِلْ دَان: در کاوش‌های باستانی محوطه باستانی «تِلْ دَان» واقع در شمال الجلیل، کتیبه‌ای سنگی متعلق به سال ۹۵۰ ق.م یافت شده که لحنی مناجات‌گونه داشته و بر آن، جملاتی به زبان کهن آرامی بوده که عبارت «خانه داوود» در آن، جلب توجه می‌کند؛ لذا باستان‌شناسان، نظریه وجود خانه حضرت داوود و سلیمان (ع) را در این منطقه، مطرح کردند (رامین‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۱۱). بر اساس کتاب مقدس، حضرت داوود (ع) سرانجام در بیت المقدس در گذشت و در قریه داوود، مدفون شد.

۸-۳. جاری و تطبیق آیات

انجیر غذای کامل و نمادی از شیرینی شریعت است که پذیرش و عمل به آداب و احکام آن، زمینه‌ساز سلامتی دین و دنیا خواهد بود؛ آن‌گونه که در دعایی در کافی، چنین آمده است: «أَخْرَجْنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا» (کلینی، ۴۰۷/۱ ق: ۵۷۸/۲)؛ اما زیتون کنایه از مزارت طریقت است که در ظرفیت و اشتیاق هرکسی نیست و مائنده‌ای است برای آن‌ها که بخواهند: «وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَبْيَاءَ تَنْبُتُ بِالذُّهْنِ وَصَبْغٍ لِلْأَكْلِينَ» (مؤمنون/۲۰)؛ لذا، نور معرفت را باید سراغ از زیتون گرفت: «... يُوَفِّدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةَ لَا شَرْفِيَّةَ وَلَا غَرْبِيَّةَ ...» (نور، ۳۵). از روایات متواتر تفسیر آیه شریفه نور نیز چنین معنایی استفاده می‌شود؛ مانند بیان امام رضا (ع) که فرمود: «... مَثَلُ مَا فِي كِتَابِ خَدَا، مِثْلُ مَا فِي كِتَابِ خَدَا» (مؤمنون/۲۰)؛ هم‌چنانکه در زیارت امام علی (ع) وارد شده است: «إِنَّكَ الطُّورُ وَ الْكِتَابُ الْمَسْطُورُ وَ الرَّقُّ الْمَنْشُورُ» و در دعای ندبه نیز با عبارات: «يَا ابْنَ طِهْ وَ الْمُحْكَمَاتِ! يَا ابْنَ يَسْ وَ الْأَرْيَاتِ! يَا ابْنَ الطُّورِ وَ الْعَادِيَاتِ!»، از آن یاد شده است (المشهدی، ۱۴۱۹: ۲۵۹ و ۵۸۰)؛ لذا، تین و زیتون، کنایه از شریعت نبوی (ص) و طریقت علوی (ع) است و برای فهم حقیقت شریعت و عمل بی‌نقص بر آن، لازم است با درک وادی اهل طور، از محضر هادیان طریق، بهره جست، آنگاه وارد حریم امن فطرت بلد امین شد.

۹-۳. تأویل آیات

مقصود از ارض مقدسه در ظاهر آیه شریفه: «يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ» (مائده/ ۲۱)، به نقل از امام باقر (ع)، سرزمین شام است (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۲۰۶/۱)، و خطاب به بنی اسرائیل است که با نافرمانی وارد نشدند و چهل سال، دچار سرگردانی شدند؛ ولی در تأویل و نگاه باطنی، مکانی قدسی و زمینی مقدس است که در آن، گناه نشده باشد؛ تین و زیتون نیز در ظاهر، نام دو کوه در بیت المقدس است؛ اما در حقیقت، دو وادی و مقام در زمین قدسی هستند که بر همه اهل بصیرت، لازم است که آنجا را درک کنند و وارد آن شوند و گر نه، در سیر انسانی، سرگردان می شوند. همچنین در آیه شریفه «وَ إِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ» (بقره/ ۵۸)، مقصود موطنی است که از بنی اسرائیل خواسته شده که وارد بشوند؛ اما مانند هبوط بنی آدم: «اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا» (بقره/ ۳۸)، قوم موسی هم هبوط کردند. چون موسای کلیم، موفق شده بود تا قوم خودش را از این وادی، عبور و رفعت بدهد و آنان را وارد عالم دیگری کند که نعمت بهشتی من و سلوی برایشان نازل می شد (ر.ک: میرباقری، ۱۴۰۰)؛ ولی با بهانه جویی و نداشتن صبر بر طعام واحد، خطاب: «اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ» (بقره/ ۶۱)، آمد و دچار ذلت شدند؛ همچنان که پیامبر اسلام (ص)، در روز غدیر می خواست که امت خویش را وارد وادی حقیقت و شهر حکمت کند؛ اما از راهش: «وَأُثُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» (بقره/ ۱۸۹) که ولایت علی (ع) بود (بحرانی، ۱۴۲۷ق: ۴۱۵/۱)، و در تفسیر آیه «وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَأَيَّامًا آمِنِينَ» (سبا/ ۱۸) و «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» (آل عمران/ ۹۷)، ابوحنفیه در جواب سؤال امام صادق (ع) که منظور از بلد امین کجاست؟ می گوید که مکه است و حضرت می فرماید: «پس چرا کعبه را ویران کردند و امنیتش مخدوش شد؟ بلکه مقصود این است که کسی که به سمت مکه می آید و رو به امام باشد، در وادی ایمن است (صدوق، ۱۳۸۳: ۹۰/۱)؛ پس امنیت در دعای حضرت ابراهیم (ر.ک: آل عمران، ۹۷)، نجات از عقوبت الهی است؛ چون ائمه (ع)، آرکان البلاد هستند؛ یعنی جامعه ای که حول امام ساخته شده و نیازهای جامعه بر محور امام و محبت امام است (میرباقری، ۱۳۹۹).

بنابراین، سوگندها در صدد بیان مسیر تعالی هستند؛ به گونه ای که انسان در پرتو تداوم عبودیت و طی مراحل بندگی؛ یعنی حرکت از شریعت (تین) و رسیدن به (زیتون) «(ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲۳۹/۱۰)، وارد طریقت الهی شده؛ سپس با درک مقام طور، در نهایت، به حریم امن فطرت (بلد امین) می رسد.

طور سیناء، گرچه محل میقات و تکلیم بوده‌است؛ اما فقط کوه ظاهری نیست؛ چنان‌که از آیه «فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ» (قصص/ ۳۰) و آیه «إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى» (طه/ ۱۲) استفاده می‌شود، «طوی» جمع و پیچیدنی است که شأنش بسط است، و مقصود از وادی جهت روحانی و معنوی آن است» (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۱۸۰/۷). پیامبر خدا (ص) در جواب از علت تقدس وادی، فرمود: «لَأَنَّهُ قُدِّسَتْ فِيهِ الْأَرْوَاحُ؛ چرا که روح‌ها در آن، پاک گشته‌اند» (صدوق، ۱۳۸۳: ۴۷۲/۲). راه ملاقات خدا طولانی بود؛ اما خدا این راه را پیچیده و کوتاه کرد. در وصایای حضرت علی (ع) نیز وارد شده‌است که فرمود: «... آنگاه که دیدید قدم‌ها ایستاد و بادی وزیدن گرفت، مرا آنجا دفن کنید که اول طور سینا است» (طوسی، ۱۳۶۵: ۳۴/۶)، و طور مطلق (طور/ ۱)، حقیقت وجودی پیامبر اکرم (ص) و ائمه هدی (ع) است؛ همان‌گونه که در اخبار وارد شده‌است: «أَشْهَدُ أَنَّكَ الطُّورُ...» (مشهدی، ۱۴۱۹ق: ۲۵۹)؛ پس حقایق و معارف پیچیده در مقام طور را می‌توان در معیت صاحبان روح قدسی، درک کرد.

۴. نتیجه

قرآن مجید به‌عنوان کامل‌ترین کلام الهی، در عین عمق و جامعیت، روانی ظاهر و طراوت معنایی همه زمان‌ها را در نظر گرفته‌است؛ لذا در فهم و بیان مقصود آیات، مسئله ظاهر و باطن، تنزیل و تأویل، اشارات و حقایق آیات، مطرح می‌شود. باوجود اختلاف نظر در معانی و مصادیق دو قسم اول سوره تین، با توجیه‌پذیری‌های مرتبط، از بین نظرات مطرح‌شده در معنا و تفسیر دو واژه تین و زیتون، نظریه چهار دوران زندگی، از نگاه راهبردی برخوردار بوده؛ اما خارج از موضوع بحث است. همچنین بنابر احتمال تفسیر راهنما، باتوجه به انجیرخیزی کوفه و زیتونخیزی بیت‌المقدس، سوگندهای چهارگانه، شامل سرزمین‌های نزول وحی است؛ زیرا نوح (ع) در کوفه، ابراهیم (ع) و عیسی (ع) در بیت‌المقدس، موسی (ع) در طور سینا و پیامبر اسلام (ص) در مکه به نشر آیین خویش پرداختند (هاشمی، ۱۳۸۶: ۲۱/ ۴۴۰). این بیان، پیامبران اولوالعزم را در بر می‌گیرد؛ اما بدون چهار کتاب مذکور در قرآن کریم؛ لذا همان‌طوری‌که گذشت، چهار مقسم را می‌توان بر محل نزول چهار کتاب آسمانی زبور، تورات، انجیل و قرآن کریم تطبیق داد.

یکی‌بودن دین، اقتضا می‌کند که هیچ فرقی بین انبیای الهی و محتوای دعوت آن‌ها نبوده‌باشد (آل عمران/ ۸۴)، و کتاب‌های بعدی، تصدیق‌گر کتب قبلی، و قرآن کریم، مُصَدِّق همه کتب آسمانی باشد (مائده/ ۴۶ تا ۴۸)، و دامنه رسالت انبیاء، به‌لحاظ زمانی و مکانی، یکی نبوده‌است؛ برخی برای قوم و

زمانی خاص؛ برخی برای عموم در زمانی خاص و رسالت خاتم پیامبران (ص)، جهانی و برای همه اعصار بوده است؛ لذا کتابش، کامل‌ترین است. به‌طور معمول، کتاب تحریف‌شده، با کتاب بعدی، تصحیح و تصدیق می‌شد. «مبادا فکر کنید که من برای زائل کردن تورات، یا نوشته‌های انبیاء، آمده‌ام؛ من نه برای تخریب؛ بلکه برای تکمیل آمده‌ام» (متی/ ۵: ۱۷)، و اقتضای ختم نبوت نیز مصونیت آخرین کتاب از تحریف می‌باشد؛ پس قرآن کریم، محتوای زبور، تورات و انجیل تحریف‌نشده را با بیانی جامع دارد و شرایع قبلی، مقدمه‌ای بر آخرین شریعت و اکمال دین اسلام بوده و همه آن مراحل را دارا است (ر.ک: مائده، ۳)؛ لذا در قرآن مجید و دعای عرفه، دعای عهد و دیگر ادعیه و روایات نبی اکرم (ص) نیز فقط نام همین چهار کتاب آسمانی آمده است. از این‌رو، مجموع کتب انبیاء را به چهار مرحله می‌توان تقسیم کرد:

زبور؛ نماد مرحله دعایی، تورات؛ مرحله شریعت، انجیل؛ سنبل طریقت و کتاب قرآن به‌اضافه مرحله حقیقت (حکمت و معرفت) است؛ لذا شامل دعا، شریعت، طریقت و حقیقت است. این مراحل، بیانگر سیر تکاملی شرایع و قوت نظریه طولی بودن ادیان در موضوع تکثرگرایی دینی (پلورالیسم) است و حضرت نوح (ع) را در مرحله دوم و حضرت ابراهیم (ع) را در مرحله چهارم می‌توان ارزیابی کرد؛ لذا در قرآن کریم از حضرت ابراهیم با عنوان مسلمان حنیف (آل عمران/ ۶۷)، و از آیین اسلام به‌عنوان «مِلَّةَ اَبِيكُم اِبْرَاهِيمَ» (حج/ ۷۸)، یاد شده است. مفسران، زبور را به‌معنی مکتوب یا از ریشه عبری زمره به معنی قدرت، آواز یا سرود دانسته‌اند، و تورات، کلمه عبرانی به‌معنی قانون و تعلیم است که بر کتاب وحی موسی (ع) اطلاق شده و بی‌شک، کتب پنج‌گانه فعلی تورات (بخشی از عهد عتیق)، بعد از رحلت موسی (ع)، تألیف شده است، و انجیل، کلمه یونانی (به‌معنی بشارت)، نام کتاب حضرت عیسی بوده است؛ اما نحوه نزولش، مشخص نیست، بلکه وحی غیرملفوظ بوده؛ اناجیل، آن را تفسیر می‌کنند (حسینی طهرانی، ۱۳۹۶: ۴۲۲). به اعتقاد مسیحیان، حضرت عیسی (ع) کتابی نیاورده و تا شصت سال بعد از میلاد انجیل مکتوبی وجود نداشته است، بلکه سخنان و کردار عیسی (ع) به‌صورت شفاهی نقل می‌شده و بعدها نوشته‌ها و یادداشت‌هایی به‌وجود آمده و پس از چند قرن، کلیسا به‌طور رسمی اعلام کرده است (توماس، میشل، ۱۵۸). که چه کتابی را باید مقدس شمرد. ماه مبارک رمضان، ماه نزول کتاب‌های بزرگ آسمانی بوده و تورات در ششم ماه مبارک، انجیل در دوازدهم، زبور در هجدهم و قرآن مجید در شب قدر نازل شده است (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۶۲۹)؛ بنابراین، سوگندها در صدد بیان مهم‌ترین مراکز

وحی الهی و مراحل چهارگانه کتابهای آسمانی، در عین حال، ارائه مسیر تعالی هستند که انسان در پرتو تداوم عبودیت و طی مراحل بندگی، به فطرت و مرز انسانیت می‌رسد.

کتابنامه

قرآن کریم، ترجمه سید محمدرضا صفوی، (۱۳۹۰)، چاپ سوم، قم، دفتر نشر معارف.

نهج البلاغه، صبحی صالح، (۱۳۸۴)، چاپ سوم، قم، دارالحديث.
ابن طاووس، رضی الدین، علی، (۱۳۳۰ق)، جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع، چاپ اول، قم، الشریف الرضی.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۱۹)، تفسیر القرآن العظیم، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیة.

انجمن آنتی شبهات، (۲۰۲۴)، «پیامبری از فاران»: [/https://anti-shobahat.com](https://anti-shobahat.com)
انجمن کلیمیان، (۱۳۷۸)، کتاب تهلیل (مزامیر حضرت داوود)، چاپ اول، تهران، نشر افکار.

انجمن کلیمیان تهران، (بی‌تا)، «صهیون»، قابل بازیابی در تارنمای:
https://www.iranjewish.com/FAQ/FAQ۴۹_Siyon.htm

اندیشکده اریحا، (بی‌تا)، «عهد عتیق» (نسخه الکترونیکی)، www.bjes.ir
ایکنا، (۱۳۸۸)، «معجزه قرآن در سوره تین بررسی می‌شود»، کد خبر: ۱۸۳۸۷۱۹

بحرانی، سید هاشم، (۱۴۲۷)، البرهان، چاپ دوم، بیروت، موسسه اعلمی.
بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، (۱۳۸۴)، باستان شناسی و جغرافیای طبیعی قصص قرآن، چاپ چهارم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
توفیقی، حسین، (۱۳۹۱)، «تفسیر قطعی سوگندهای قرآن مجید»، قرآن شناخت، شماره ۹.

توماس، میشل، (۱۳۹۱)، کلام مسیحی، ترجمه توفیقی، حسین، چاپ سوم، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

ثعلبی، احمد بن محمد، (۱۴۲۲)، الكشف والبيان، چاپ اول، بیروت، دار إحياء التراث العربي.

حسینی طهرانی، سید محمدحسین، (۱۳۹۲)، تفسیر آیه نور، چاپ دوم، تهران، مکتب وحی.

_____، (۱۳۷۶)، مهر تابان، چاپ سوم، مشهد، علامه.
طباطبائی‌حمیدی، سیدجعفر، (۱۳۸۱) تاریخ اورشلیم (بیت المقدس)، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر.

دانشنامه جهان اسلام، (بی‌تا)، «زبور»، متعلق به بنیاد دایرة المعارف اسلامی، به نشانی:

<https://rch.ac.ir/article/Details?id=۱۴۵۰۶>

دانشنامه فلسطین، (۲۰۲۰)، «بیت تنیف، و زیتون» نسخه دیجیتالی: <https://palpedia.afagh-bidari.ir>

رامین‌نژاد، رامین، (۱۳۸۸)، مزار پیامبران، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

ساعدی، محمد، (۱۳۹۸)، المسجد الاقصی (تاریخیا - فقهیا - سیاسیا)، چاپ اول، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، (۱۳۸۵)، کتاب مقدس، تهران، آیت عشق. صادقی تهرانی، محمد، (۱۳۸۸)، ترجمان فرقان، چاپ اول، تهران، شکرانه.

صبری‌پاشا، ایوب، (۱۴۲۴ق)، موسوعة مرآة الحرمين الشريفین و جزيرة العرب، چاپ اول، مصر، دار الآفاق العربیه.

صدوق، محمدبن علی، (۱۳۸۳)، علل الشرایع، چاپ اول، قم، مکتبه الحیدریه. _____، (۱۳۷۸)، عیون اخبار الرضا(ع)، چاپ دوم، قم، شریف الرضی.

_____، (۱۳۹۵ق)، کمال‌الدین و تمام النعمه، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

طالقانی، سیدمحمود، (۱۳۶۲)، پرتوی از قرآن، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار.

طباطبایی، سیدمحمدهسین، (۱۳۸۸)، قرآن در اسلام، چاپ سیزدهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

_____، (۱۳۹۳)، میزان، چاپ سی و ششم، قم، دفتر انتشارات اسلامی. طبرسی، فضل بن الحسن، (۱۴۰۶ق)، مجمع‌البیان، چاپ اول، بیروت، دارالمعرفه.

طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵)، مجمع‌البحرین، چاپ سوم، تهران، مرتضوی. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۶۵)، تهذیب الأحکام، چاپ پنجم، تهران، دارالکتب العلمیه.

عاملی، جعفرمرتضی، (۱۳۸۵)، الصحيح من سيرة النبي الأعظم، چاپ اول، قم، موسسه علمی فرهنگی دار الحديث.

عبده، محمد، (۱۹۸۵)، تفسیر جزء عم، چاپ اول، بیروت، مکتبه الهلال. علیمی الحنبلی، عبد الرحمن بن محمد، (۱۴۲۰ق)، الانس الجلیل بتاريخ القدس والخیل، اردن، چاپ اول، مکتبه دندیس.

عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ق)، تفسیر العیاشی، چاپ اول، تهران، مکتبه العلمیه.

کاویان‌پور، احمد، (۱۳۷۸)، ترجمه قرآن، چاپ سوم، تهران، اقبال. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیه.

- گری، مارتین، (بی‌تا)، «نمازخانه تولد عیسی مسیح، بیت لحم»، راهنمای زیارت جهانی، در تارنمای: <https://fa.sacredsites.com/>
- فتحی، امین، (۱۳۹۵)، آن کتاب پاکان، فصلنامه مطالعات قرآنی، ش ۲۵.
- فرات الکوفی، ابن ابراهیم، (۱۴۱۰ق)، تفسیر فرات الکوفی، چاپ اول، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.
- فیض کاشانی، ملامحسن، (۱۳۶۲)، الصافی، چاپ دوم، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
- قرایی، علیرضا، ۱۳۹۰، «کوه‌های مقدس»، وبلاگ محیا: <https://alirezagharai.blogfa.com/post/۱۴۲>
- قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۷)، تفسیر القمی، چاپ چهارم، قم، دارالکتب.
- مرکز دائره‌المعارف بزرگ اسلامی، (بی‌تا)، «نزول کتاب مقدس زبور بر حضرت داود(ع)»، قابل بازیابی <https://www.cgie.org.ir/popup/fa/system/contentprint/۳۸۷۵>
- مروّجی طبسی، محمدعلی، (۱۳۹۹)، «اعتبارسنجی احادیث تأویلی سوگندهای سوره تین»، مطالعات اعتبارسنجی حدیث، ش ۳.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت، مؤسسة الوفاء.
- ساعدی، محمد، (۱۳۹۸)، المسجدالاقصى (تاریخاً- فقهیاً- سیاسیاً)، چاپ اول، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- محمدی شاهرودی، عبدالعلی، (۱۳۷۹)، معراج در آینه استدلال، چاپ اول، تهران، اسوه.
- المشهدی، محمد بن جعفر، (۱۴۱۹ق)، المزار، تحقیق جواد القیومی، چاپ اول، قم، القیوم.
- مصحف، عبدالعلی، (بی‌تا)، «درس‌هایی از قرآن، برداشتی از سوره التین و الزیتون»، ندای اصفهان، اصفهان، بی‌جا. قابل بازیابی در <https://nedayeesfahan.ir>
- مطهری، مرتضی، (۱۳۹۶)، آشنایی با قرآن، چاپ چهل و هفتم، قم، صدرا.
- مفید، محمد بن محمد، (بی‌تا)، الاختصاص، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- مقریزی، تقی‌الدین، (۱۴۲۰ق)، إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۹)، تفسیر نمونه، چاپ نوزدهم، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
- _____، (۱۳۸۶)، سوگندهای پربار قرآن، گردآوری و تحقیق، ابوالقاسم علیان نژادی، قم، انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع).
- میرباقری، محمدمهدی، (۱۴۰۰)، «تأویل و باطن آیات قرآنی داستان بنی اسرائیل»، وبگاه، قابل دسترسی در: <https://noo.rs/FAMRZ> و <https://mirbaqeri.com>

نجفی، محمدجواد، (۱۳۷۹)، تفسیر آسان، چاپ دوم، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
نیکزاد، عباس، (۱۳۹۳)، کتاب مقدس زیر ذره بین، چاپ اول، قم، معارف.
هاشمی رفسنجانی، اکبر، (۱۳۸۶)، تفسیر راهنما، چاپ چهارم، قم، بوستان کتاب.

Bibliography

Holy Quran

- Nahj al-Balagha, Sobhi Saleh, (۱۳۸۴ S.H), Qom, Dar al-Hadith. [In Arabic]
Ibn Tavis, Razi al-Din, Ali, (۱۳۳۰ A.H), Jamal al-Osboue, Qom, Al-Sharif al-Razi. [In Arabic]
Ibn Kathir, Ismail Ibn Umar, (۱۴۱۹ A.H), Tafsir al-Qur'an al-Azeem, Beirut. Dar al-Katb Al-Elamiya. [In Arabic]
Anti-Doubt Association, (۲۰۲۴), "A Prophet from Faran": <https://anti-shobahat.com>. [In Persian]
The Clemian Association, (۱۳۷۸ S.H), Tehillim (Psalms of David), Tehran, Afkar Publishing House. [In Persian]
Kilimian Association, Bitá, available at: https://www.iranjewish.com/FAQ/FAQ۴۹_Siyon.htm. [In Persian]
Jericho Institute, Bitá, Old Testament (electronic version): www.bjes.ir. [In Persian]
X Shubah, (۲۰۱۲), "Why didn't God Almighty reveal the Holy Quran from the very beginning"? Retrieval at: <https://www.x-shobhe.com/quran/۲۲۰۲.html>. [In Persian]
Ikna, (۲۰۰۹), "The Miracle of the Quran in Surah At-Tin is Examined", News Code: ۱۸۳۸۷۱۹. [In Persian]
Bahrani, Seyyed Hashem, (۱۴۲۷ A.H), Al-Burhan, Scientific Institute. [In Arabic]
Bizar Shirazi, Abdul Karim, (۲۰۰۵), Archaeology and Natural Geography of the Stories of the Quran, Tehran, Islamic Culture Publishing House. [In Persian]
Towfiqi, Hossein, (۱۳۹۱ S.H), "Definitive Interpretation of the Oaths of the Holy Quran", Quran Shathnath, No. ۹. [In Persian]
Tha'labi, Ahmad bin Muhammad, (۱۴۲۲ A.H), Al-Kashf and Al-Bayaan, Beirut, Dar Ihya Al-Turaht Al-Arabi. [In Arabic]
Hamidi, Seyyed Ja'far, (۱۳۸۱ S.H), History of Jerusalem (Beit Al-Maqdis), Amir Kabir. [In Persian]
The Encyclopedia of the Islamic World, Bitá, "Zabur", owned by the Islamic Encyclopedia Foundation, at: <https://rch.ac.ir/article/Details?id=۱۴۵۰۶>. [In Persian]
Encyclopedia of Palestine, (۲۰۲۰), "Beit Natif" and "Mount Zeytoun", digital version: <https://palpedia.afagh-bidari.ir>. [In Persian]

- Raminnejad, Ramin, (۱۳۸۸ S.H), The Tomb of the Prophets, Mashhad. Islamic Research Foundation. [In Persian]
- Soleimani Ardestan, Abdolrahim, (۱۳۸۵ S.H), The Holy Bible, Tehran, Ayatul Ishq. [In Persian]
- Sadeghi Tehrani, Mohammad, (۱۳۹۲ S.H), The Interpreter of Furqan, Tehran, Shokraneh. [In Persian]
- Sabri Pasha, Ayyub, (۱۴۲۴ A.H), Encyclopedia of the Mirror of the Two Holy Mosques and the Arabian Peninsula, Egypt, Dar al-Afaq al-Arabiya. [In Arabic]
- Saduq, Muhammad ibn Ali, (۱۳۸۳ S.H), AH, Kamal al-Din and Tamam al-Naama, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]
- Saduq, Muhammad ibn Ali, (۱۳۷۸ S.H), Ayoun Akhbar al-Reza (AS), Qom, Sharif al-Radi. [In Arabic]
- Saduq, Muhammad ibn Ali, (۱۳۹۵ A.H), Ellal al-Shara'i, Qom, Maktaba al-Haidariyyah. [In Arabic]
- Fayz Kashani, Mulla Mohsen, (۱۳۶۲ A.H), Al-Safi, Tehran, Islamiyyah Bookstore. [In Arabic]
- Taleghani, Seyyed Mahmoud, (۱۳۶۲ S.H), Partavi az Qur'an, Tehran, Joint-Stock Publishing Company. [In Persian]
- Tabarsi, Fadl ibn al-Hasan, (۱۴۰۶ A.H), Majma' al-Bayan, Beirut, Dar al-Marfa. [In Arabic]
- Tusi, Muhammad ibn Hassan, (۱۳۶۵ S.H), Tahdhib al-Ahkam, Tehran, Dar al-Kutb al-Alamiyyah. [In Arabic]
- Hosseini Tehrani, Seyyed Muhammad Hussein, (۱۳۷۶ S.H), Mehr Taban, Mashhad. [In Persian]
- Hosseini Tehrani, Seyyed Muhammad Hussein, (۱۹۹۲ S.H), Tafsir ayah al-Nur, Tehran, Maktaba Wahi. [In Persian]
- Tareehi, Fakhr al-Din, (۱۳۷۵ S.H), Majma' al-Bahrain, Tehran, Mortazavi. [In Arabic]
- Abduh, Muhammad, (۱۹۸۵), Tafsir Juz' Am, Beirut, Maktaba al-Hilal. [In Arabic]
- Ameli, Jafar Morteza, (۱۳۸۵ S.H), Sahih Man Sirat al-Nabi al-Azam, Qom, Dar al-Hadith. [In Arabic]
- Alimi al-Hanbali, Abd al-Rahman ibn Muhammad, (۱۴۲۰ A.H), al-Anas al-Jalil in the history of Al-Quds and Khalil, Jordan, Dandis Library. [In Arabic]
- Kavianpour, Ahmad, (۱۳۷۸ S.H), Quran translation, Tehran, Iqbal. [In Persian]
- Kilini, (۱۴۰۷ A.H), Al-Kafi, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Arabic]
- Gray, Martin, (No date), "Chapel of the Nativity", Bethlehem, on the website: <https://fa.sacredsites.com>. [In Persian]
- Fathi, Amin, (۱۳۹۵ S.H), "The Book of the Pure", Quarterly Journal of Quranic Studies, No. ۲۵. [In Persian]

- Furat al-Kufi, Ibn Ibrahim, (۱۴۱۰ A.H), Tafsir al-Furat al-Kufi, Tehran, Ministry of Islamic Guidance. [In Arabic]
- Qaraei, Alireza, (۱۳۹۰ S.H), "The Holy Mountains", Mohya Blog: <https://alirezagharai.blogfa.com/post/۱۴۲>
- Qomi, Ali ibn Ibrahim, (۱۳۶۷ S.H), Tafsir al-Qomi, Qom, Dar al-Kutb. [In Arabic]. The Great Islamic Encyclopedia Center, (No date), "The Revelation of the Holy Book of Psalms to Prophet David" (AS), Retrievable at: <https://www.cgie.org.ir/popup/fa/system/contentprint/۳۸۷۵>. [In Persian]
- Marwaji Tabasi, Mohammad Ali, (۱۳۹۹ S.H), "Validation of the Interpretative Hadiths of the Oaths of Surah Tin", Hadith Validation Studies, Vol. ۳. [In Persian]
- Majlisi, Mohammad Baqir, (۱۴۰۳ A.H), Bihar Al-Anwar, Beirut, Al-Wafa Foundation. [In Arabic]
- Saedi, Mohammad, (۱۳۹۸ S.H), Al-Masjid Al-Aqsa (Historical - Jurisprudential - Political), First Edition, Tehran, World Forum for the Proximity of Islamic Denominations. [In Arabic]
- Mohammadi Shahroudi, Abdul Ali, (۱۳۷۹ S.H), Ascension in the Mirror of Argument, Tehran. Oswa. [In Persian]
- Al-Mashhadi, Mohammad bin Jafar, (۱۴۱۹ A.H), Al-Mazar, Research by Jawad Al-Qayyumi, Tehran, Al-Qayyum. [In Arabic]
- Mushaf, Abdul Ali, (No date), Lessons from the Quran, an excerpt from Surah Al-Tin and Al-Zaytun..., Isfahan. [In Persian]
- Motahari, Morteza, (۱۳۹۶ S.H), Familiarity with the Quran, Tehran, Sadra. [In Persian]
- Mofid, Muhammad ibn Muhammad, (No date), Al-Ikhtas, Tehran, Research by Ali Akbar Ghaffari, Jamia Madrasain. [In Arabic]
- Maqrizi, Taqi al-Din, (۱۴۲۰ A.H), Emta Al Asmae, Tehran, Dar al-Kutb al-Ilmiyah. [In Arabic]
- Makarem Shirazi, Nasser, (۱۳۷۹), Tafsir al-Numone, Tehran, Dar al-Kutb al-Islamiyya. [In Persian]
- Makarem Shirazi, Tehran, (۱۳۸۶ S.H), The fruitful oaths of the Quran, collection and research, Abul-Qasim Alian-Najadi, Qom, Imam Ali ibn Abi Talib (AS). [In Persian]
- Mir-Baqeri, Muhammad Mahdi, (۱۴۰۰ S.H), "Interpretation and the essence of the Quranic verses of the story of the Children of Israel", available at: <https://noo.rs/FAMRZ>, <https://mirbaqeri.com> [In Persian]
- Najafi, Mohammad Javad, (۱۳۷۹ S.H), Easy Interpretation, Tehran, Islamieh Bookstore. [In Persian]
- Nikzad, Abbas, (۱۳۹۳ S.H), The Holy Bible Under the Magnifying Glass, Qom, Maarif. [In Persian]

وجه‌الله از نگاه مفسران فریقین همراه با سیر تطور آراء / خنشا ۲۰۹

Hashemi Rafsanjani, Akbar, (۱۳۸۶ S.H), Guide Interpretation, Tehran Bostan Ketab. [In Persian]